

اجمالاً معلوم شد که قوانین حقوق بین الملل مدون نبوده
 منابع حقوق و قواعد آن از معاهدات و عادات بین الملل و یا از قوانین
 بین الملل داخلی مأخوذ میگردد لهذا حقوق بین الملل از منابع ثلاثه
 ذیل ناشی میشود .

- اول - از معاهدات و قرار داد هائی که بین دول منعقد شده است .
 - دوم - از عادات بین الملل .
 - سوم - از قوانین داخلی دول و احکام صادره از محاکم قضائی .
- تذکر این نکته نیز لازم است که حقوق بین الملل ناشی از میل و اراده
 دولی است که این قواعد برای آنها وضع شده و این صفت مخصوص این رشته از
 حقوق است .

اینک بشرح و توضیح هر یک از سه منبع مذکور میپردازیم :

اول معاهدات و قرار داد ها

معاهدات و قرار دادهای منعقد شده بین دول در حقیقت حکم حقوق بین الملل
 مدون را داشته و بلکه معتبرترین منبع آن محسوب میشود و از این لحاظ بعضی
 از علماء حقوق، حقوق بین الملل را بدو قسمت منقسم نموده اند :

حقوق بین الملل کتبی یا قرار دادی و حقوق بین الملل عادی یا غیر کتبی
 معاهدات را به قسمت میتوان منقسم نمود .

۱ - معاهدات راجعه به حل مسائل سیاسی و تجاری از قبیل عهد نامه صلح
 و قرارداد تجارتی و غیره .

۲ - معاهداتی که از قواعد جاریه حقوق بین الملل مأخوذ و یا موجود قاعده
 جدیدی مربوط بحقوق بین الملل میشود مانند قرار داد (ژنو) ۱۸۵۶ راجع
 بمجر و حین جنک و قرار داد های صلح لاهه و غیره .

این دو قسم معاهده با یکدیگر از این حیث شباهت دارند که فقط دول
 طرفین معاهده مجبور به اجراء مفاد آنها میباشند (معاهدات قسم ثانی معمولاً حاوی
 فصلی است که بموجب آن دول دیگر نیز بعداً میتوانند آنها را امضاء نموده و اجراء
 مقررات آنها بر عهده گیرند) .

۳ - معاهداتی که بین دو یا چندین دولت منعقد میگردد و مراد از انعقاد آن مستحکم نمودن رسوم و عاداتی است که از پیش در روابط متقابل دول جاری بوده است و بنا بر این اجراء مدلول این نوع از معاهدات برای عموم دول اجباری است ضمن انواع معاهدات نوع دیگری را نیز میتوان متذکر شد که بنوبه خود جزئی از منابع حقوق بین الملل محسوب میگردد و آن عبارت از مراسلات رسمی سیاسی است که بین اغلب دول در موضوع مخصوصی با نمایندگان سایر دول مبادله میشود اینگونه مراسلات را دول مربوطه برای اطلاع عموم از جزئیات آن و مخصوصاً برای استحضار اعضاء مجالس مقننه بطبع میرسانند . هر يك از دول برای جلد این قبیل نشریات رنگ مخصوصی انتخاب کرده و آن کتاب یا مراسله بنام آن رنگ نامیده میشود مثلاً رنگ سبز مخصوص این قبیل از مراسلات است که در ایران و ایتالیا بطبع میرسد رنگ آبی مخصوص انگلیس و رنگ زرد مخصوص فرانسه و دول دیگر نیز بر رنگهای دیگری ممتازند .

دوم عادات بین المللی

یکی از منابع حقوق بین الملل عادات و رسوم جاریه بین دول میباشد و از آنجا که اغلب از قواعد بین المللی از این منبع اتخاذ گردیده میتوان آنرا وسیع تر و مهمترین منابع حقوق بین الملل دانست ولی از جهتی چون این عادات و رسوم اغلب به اقتضای زمان تغییر میکنند برای آن ثبات و دوامی نمیتوان قائل شد . از کلیه عادات و رسوم بین المللی مجموعه‌ئی وجود ندارد و اغلب آن عادات در متحد المثالها و یادداشت‌ها و مراسلات رسمی و سیاسی و در صورت مجلس کنفرانسها و در کتب تاریخ مندرج و پراکنده است و با مراجعه به این اسناد و مدارک میتوان عاداتی که در روابط متقابل دول معمول بوده و هست پی برده و بدین وسیله بقسمتی از قواعد بین المللی آگاه گردید .

سوم قوانین داخلی و احکام محاکم قضائی

بعضی از قواعد حقوق بین المللی متخذ از قوانین داخلی دول میباشد مثلاً قواعد راجعه به انتصاب و برقراری نمایندگان سیاسی و ترقیب انعقاد عهود و امثال آنها از جمله منابع حقوق بین الملل محسوب میشود .

این نکته را نیز باید متذکر بود که تأثیر و اهمیت احکام محاکم بنا بر اختلاف قوانین دول متفاوت است مثلاً بموجب مقررات قانون انگلیس احکام محاکم در آن کشور در حکم قانون میباشد در صورتیکه در ایران این قبیل احکام هیچگونه رسمیت قانونی نداشته و فقط میتواند برای صدور احکام متمائل سابقه‌نی باشد و نیز دارای اهمیت عقیده‌نی بوده و به نسبت مقام و معلومات صادر کننده حکم اهمیت آن کم و بیش میشود.

در قواعد حقوق بین الملل علمای حقوق دارای اهمیت زیادی
 عقاید و نظریه
 میباشند زیرا تفسیر مواد مبهمه و عهود و تعیین و تشخیص
 علمای حقوق
 عادات و رسوم بین الملل و پیشنهاد اصلاحاتی که بایستی
 در قواعد حقوق بین الملل بعمل آید از وظایف آنهاست.

اهمیت نظریه و تألیفات علمای حقوق بین الملل مربوط بپایه علم و اطلاع آنها بوده و از منته انتشار تألیفات آنها نیز بی اثر در اهمیت آنها نمی باشد مثلاً هر گاه عقیده‌نی در موضوع اختلافی که بین دو دولت رخ نموده است قبل از ظهور اختلاف اظهار شده باشد بیشتر طرف توجه و مورد اهمیت خواهد بود تا اینکه بعد از بروز اختلاف ابراز گردد و نیز اثر اهمیت عقاید علمای حقوقی که مستخدم دولت نیستند با عقاید آنهاست که مستخدم دولت میباشد متفاوت است و البته نظریات دسته اول بیشتر از عقاید دسته دوم طرف توجه و اعتماد خواهد بود زیرا آنها تحت تأثیر نفوذ رسمی واقع نشده اند.

منابع مختلفه حقوق بین الملل که مذکور شد از حیث اهمیت
 اهمیت منابع
 در یک درجه قرار نگرفته و هر گاه اختلافی بین دو دولت
 مختلفه حقوق
 ظهور نماید بدو باید بمورد مراجعه شود و در صورت نبودن
 بین الملل
 عهد نامه باید عادات و رسوم بین الملل مورد توجه قرار
 گیرد و هر گاه باین وسیله نیز حل قضیه میسر نشود بقواعد

حقوق بین الملل طبیعی یعنی تألیفات و عقائد اظهار شده علمای این فن مراجعه و مطابق نظریه اظهار شده آنها اختلاف تولید شده را مرتفع میسازند.

تاریخ حقوق بین الملل

تاریخ حقوق بین الملل را بشش قسمت منقسم نموده اند :

قسمت اول - از عهد عتیق تا قرون وسطی .

قسمت دوم - از قرون وسطی تا معاهده معروف به وستفالی (۱۶۴۸ میلادی)

قسمت سوم - از معاهده وستفالی تا انقلاب فرانسه .

قسمت چهارم - از انقلاب فرانسه تا عهد نامه وینه (۱۸۱۵)

قسمت پنجم - از عهد نامه وینه تا جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴)

قسمت ششم - از ۱۹۱۴ به بعد .

اینک توضیح هر یک از قسمتهای ششگانه :

قسمت اول از عهد عتیق تا قرون وسطی

درازمنه قدیمه معروفتترین و قویترین دولت های روی زمین سه دولت ایران ، روم و یونان بودند و از طرز رفتار آنها با دول ساثره دو مورد ذیل را در موضوع حقوق بین الملل میتوان استنباط نمود .

اولا در آن زمان هیئت جامعه ای از دول وجود نداشته و هر ملتی فقط خود را دارای حقوق میدانسته مثلاً رومنها اشخاصی را که غیر از ملت آنها بودند دشمن خود پنداشته و به آنها جز به این نظر نگاه نمیگردند .

ثانیاً - در آن ایام وضع معمولی روابط بین الملل جنگ بوده و بنا بر این فقط عادات بین المللی که در آن زمان بوجود آمده عادات متعلقه بجنگ بوده است از قبیل بوجود آمدن هیئت یا مأمورینی در رم که مکلف به اعلان جنگ یا انعقاد صلح بودند و تا زمانیکه دول حکمران و متساوی الحقوقی در عالم وجود نیافت حقوق بین الملل نتوانست وجود خارجی پیدا کند و در این مدت فقط قواعدی که طرف احتیاج و مورد توجه واقع شد عبارت بود از حقوق امتیازات سفر او رسولان و احترام عهود و رعایت بعضی ترتیبات برای اعلان جنگ .

قسمت دوم - از قرون وسطی تا معاهده وستفالی

بطوریکه مذکور گردید در عهد عتیق هیئت جامعه بین المللی وجود نداشت ولی در قرون وسطی دول متعدده‌ئی در اروپا تشکیل گردید و چون هر یک از آنها میخواست سایر دول حقوق او را محفوظ و آزادی و استقلال او را مراعات نمایند شالوده هیئت جامعه بین الملل ریخته شد و در روابط بین المللی تغییرات عمده‌ئی حاصل گردید .

هیئت جامعه‌ئی که بدو در اروپا تشکیل یافت در حقیقت جامعه مذهبی بود چه تمام دول مسیحی در تحت اقتدار و سلطه پاپ قرار گرفته و او امر او را واجب الاطاعه میدانستند ولی در قرن شانزدهم در روابط بین دول تغییرات عمده‌ئی حاصل شد و این تغییرات از طرفی نتیجه اختلافات مذهبی و از جهتی بعات ترقی علوم و صنایع بود و رفته رفته بواسطه پیشرفت علوم خیالات بشر توسعه یافته و پایه روابط بین المللی بر اصل جدیدی که ملاحظیات مذهبی را در آن راه نبود بر قرار گشت و اصل مزبور که بعدها به اصل موازنه سیاسی اروپا منجر گردید ناشی از این شد که دول بمنافع عمومی خود متوجه شده و به این نکته برخورد کرده بودند که همگی آنها باید مراقب استقلال یکدیگر بوده و حفظ حقوق و روابط متقابل را بین خود عهده دار گردند.

این معاهده عبارت از دو قرار داد است که در سنه ۱۶۴۸

معاهده	یکی در شهر مونستر و دیگری در شهر اسنابروک که هر دو
وستفالی	در وستفالی واقعند منعقد گردید هر گاه در دو معاهده
(۱۶۴۸)	مذکور دقت شود ملاحظه خواهد گردید که دارای

اهمیت فوق العاده میباشند زیرا تا آن تاریخ دیده نشده بود که عده‌ئی از سلاطین و شاهزادگان در یکجا مجتمع شده در امور کشور های خود بایکدیگر مذاکره و مشورت نمایند .

در مونستر نمایندگان دول نه تنها امور خصوصی خود را تحت مطالعه قرار دادند بلکه امور داخلی دولی نیز از قبیل سویس و هلند در آن مجمع مطرح گردید . نتایجی که از معاهده وستفالی حاصل شد از قرار ذیل است :

اولاً - آزادی مذهب و تساوی حقوق پرستانها با کاتولیکها برقرار گردید.
ثانیاً - تفوقی که پاپ در قرون وسطی نسبت بعموم سلاطین مسیحی دارا
گردیده بود از بین رفت .

ثالثاً - استقلال ایالات متحدهٔ هلند و دوات سوئیس رسماً اعلام گردید .

قسمت سوم از معاهدهٔ و ستفالی الی انقلاب فرانسه (۱۶۴۸ - ۱۷۸۹)

در این ایام دول اروپا پایهٔ روابط متقابلهٔ خود را بموازنهٔ سیاسی متکی
نموده و چند معاهدهٔ مهمی که در حقیقت اساس حقوق بین الملل حالیه است
منعقد نمودند معاهدات مذکوره عبارت است از معاهدهٔ و ستفالی و معاهدهٔ
پیرنه و معاهدهٔ او ترخ .

چنانکه مذکور گردید دول اروپا بمنافع سیاسی خود

موازنهٔ سیاسی آگاهی حاصل نموده و متوجه شده بودند که باید فرداً فرد

اروپا حافظ استقلال یکدیگر گردیده و نگذارند دواى باعلا

درجهٔ قدرت برسند و استقلال سایر دول را تهدید و تحدید

نمایند و این نظریه و سیاست را موازنهٔ اروپا گویند و موافق این اصل است

که فرانسوای اول پادشاه فرانسه سالها با شارلکن مبارزه نموده و فکذاشت دولت

اطریش بواسطهٔ قدرت کاملی که پیدا کرده بود بکشورهای دیگر که نسبتاً

کوچکتر و ضعیف تر بودند دست تعدی دراز نماید .

در قرن هفدهم بواسطهٔ تشکیل چند دولت بزرگ اصل موازنهٔ سیاسی قوت

یافته و بیش از پیش استناد گاه روابط ملل گردید چه در هر یک از دول جدید

التأسیس احساسات ملی نشو و نما یافته و هر یک سعی کامل داشتند با نهایت استقلال

و آزادی زیست کرده به اصلاحات و ترقی و تعالی کشور خود پردازند لهذا

در موقعی که یکی از دول اروپا دارای اقتدار فوق العاده میگردد سایر دول

با یکدیگر همدست شده و از ادامهٔ ترقی آن دولت جلوگیری مینمودند و نیز

در نتیجهٔ همین موازنهٔ سیاسی بود که ریشیلیو دولت فرانسه را بخصومت و جنگ

با دولت اطریش و ادار کرده و با اقتدار و سلطهٔ ثی که دولت مزبور دارا گردیده

بود سکنهٔ بزرگی وارد آورد و همچنین اتحاد دول اروپا برضد فرانسه در زمان

سلطنت لوئی چهاردهم از جملهٔ نتایج موازنهٔ اروپائی است .